مقدمه

پس از فارغ التحصیلی دانشجویان رشته حقوق و کسب قبولی در آزمون وکالت و ورود به کارآموزی وکالت، اولین دغدغه آنان در وکالت در پرونده‌ها این است که چگونه یک دعوی را آغاز کنند. کارآموزان وکالت و وکلای جوان در آغاز طرح دعوی کیفری در مرجع قضایی (حسب مورد دادسرا یا دادگاه) بایستی شکواییه تنظیم نمایند. به عبارت دیگر تنظیم شکواییه برای آغاز یک دعوی کیفری مقدمه لازم می‌باشد، اگرچه همانطور که در فصل اول کتاب به شکایت شفاهی نیز اشاره شده است، اما برای وکلا مرسوم آن است که دعوی خود را بصورت کتبی و از طریق سامانه خود کاربری وکلا تنظیم و سپس به مرجع قضایی صلاحیت دار ارسال نمایند.

بایسته‌های شکواییه نویسی[1] همان آیین دادرسی کیفری کاربردی است (البته در مرحله طرح دعوی)که مفاهیم این درس با رویه قضایی ترکیب گشته تا همکاران محترم بتوانند از ابتدای آغاز طرح دعوی عملکرد قابل قبولی داشته باشند. موضوعی که لازم است به آن اشاره گردد، در کلاسهای دانشگاهی متاسفانه به مباحث کاربردی اشاره نمی‌گردد و صرفاً مباحث تئوری محض بیان می‌گردد که اگرچه لازم است برای فهم مطالب حقوقی، اما تدریس تئوری محض فارغ

۱- منظور از بایسته‌های شکواییه نویسی رعایت اصول، الزامات و نکاتی که در تنظیم یک شکواییه صحیح لازم است.

التحصیلان رشته حقـوق را در زمـان کـارآموزی وکالـت و ابتـدای کـار عملـی بـا دشواری‌های متعدد و ابهامات علمی کاربردی مواجه می‌کند. به نظر می‌رسد دیگـر وقت آن رسیده است که سر فصل‌های دانشگاهی و به عبارتی چارت رشته حقـوق بازنگری اساسی گردد. لـذا از حیـث کـاربردی در رشـته حقـوق درسـهایی چـون شکواییه نویسی، دادخواست نویسی، لایحه نویسی، فن دفاع در محاکم، آشنایی بـا سیستم قضایی و... به چارت رشته حقوق اضافه گردد. نگارنده به عنـوان عضـوی از جامعه حقوقی تمام تلاش خود را در تدریس در دانشگاهها و کـلاس‌هـای درسـی مبتنی بر رویه قضایی و به صورت کاربردی در کنار مباحث تئوری بـه کـار گرفتـه است. تنها درسی که در چارت رشته حقوق می‌توان نام برد کـه کـاربردی محـض است، درس کارآموزی قضایی آن هم یک واحدی اختیاری است. البته ناگفته نماند که تسلط بر رویه عملی و حقوق کاربردی علاوه بر تجربه، مسـتلزم مطالعـه کتـب کاربردی و رویه محور می‌باشد.

یکی از دغدغه‌های نگارنده همیشه پرورش دانشـجویانی بـوده اسـت کـه بتواننـد بهترین عملکرد را از لحاظ علمی و کاربردی در پرونده‌هایشـان داشـته باشـند امـا متاسفانه در دانشگاهها بعضاً شاهد این موضوع هستیم که برخی از اساتید محتـرم به جای تدریس علمی و کاربردی،کلاس درس را تبدیل به کلاس تحقیـق و ارائـه دانشجویان آن هم ارائه مباحـث اصـلی یـک درس کـه قبـل از آن اسـتاد محتـرم تدریسی راجع به آن مباحث ارائه ننموده‌اند می‌نمایند. لذا دانشجویان پس از فـارغ التحصیلی مجبور به تحمیل هزینه‌هـای گـزاف و سـنگین در خصـوص دوره‌هـای شکواییه نویسی، فن دفاع یا لایحه نویسی می‌گردند و همچنین کـارآموزان وکالـت مجبور می‌شوند پس از اخذ پروانه کارآموزی یکبار دیگر تمامی مباحث حقـوقی را اعم از شکلی (آیین دادرسی کیفری و مدنی) و ماهوی (حقوق جزا یا حقوق مدنی)

بصورت کاربردی و رویه محور مطالعه نمایند. خب سوال این است که چرا ابتـدا از دوره‌ی دانشگاهی این مهم اتفاق نمی‌افتد؟!!!!

شکواییه نویسی اولین مرحله از فن دفاع وکلا می‌باشد که هم از سوی وکیل شاکی و هم از سوی وکیل متهم بایستی تسلط کافی بـر روی ارکـان شـکواییه از لحـاظ علمی و کاربردی وجود داشته باشد، چرا که در صورت اشتباه منجـر بـه تضـعییع حقوق موکل می‌گردد. لذا هدف از نگارش این کتاب بدین جهـت بـوده اسـت کـه ابتدا کارآموزان وکالت و وکلای جوان قبل از تنظیم شکواییه همانطور که از عنوان کتاب مشخص است بایسته‌ها و مبانی شکواییه نویسی را مبتنی بـر قـانون و رویـه قضایی مسلط شوند.

ساختار کتاب بر این اساس است که در فصل اول به کلیات شکواییه و آمـوزه‌هـای لازم برای آغاز طرح دعوی کیفری می‌پردازد. در فصل دوم ارکان شکواییه مبتنـی بر تحلیل قانون و رویه قضایی می‌باشد. در فصل سوم نکات مهم شکواییه نویسی و ایرادات وارد بر شکواییه پرداخته است که این سه فصل برای یادگیری باسـته‌هـای شکواییه حائز اهمیت می‌باشد.

در آخر هدف نگارنده از تالیف بایسته‌های شکواییه نویسی یادگیری تحلیلی ارکـان شکواییه برای دانشجویان حقوق، کارآموزان وکالت بوده است. لازم به توضیح است که نگارنده قصد گردآوری صرفاً نمونه شکواییه را هرگز نداشته است، به ایـن علـت که نمونه‌های آماده شکواییه و حتی لایحه، دانشجویان یا کـارآموزان را در تنظـیم یک شکواییه صحیح هرگز یاری نخواهد کرد چه بسا کپـی بـرداری از نمونـه‌هـای شکواییه‌های آماده یا حتی سـپردن کـل تنظـیم شـکواییه بـه هـوش مصـنوعی[1]

۱- بهره مندی از ابزار هوش مصنوعی به عنوان یک دستیار وکیل ایرادی ندارد اما هرگـز جـایگزین وکیـل نخواهد بود.

کاربردی نخواهد داشت. از طرفی ارکان شکواییه هر پرونده قطعا متفاوت خواهد بود مثلاً شیوه های ارتکاب هر جرم و یا دلایل اثبات جرایم همه پرونده‌ها متفاوت می‌باشد. لذا به جای کپی برداری یکبار برای همیشه شکواییه نویسی را به صورت اصولی یاد بگیریم.

کتاب حاضر حاصل تجربه، تدریس در دانشگاه و کار عملی و همچنین مطالعه کتب کاربردی نگارنده بوده است اما هیچ نوشتاری تهی از ایراد نمی‌باشد. کتاب بایسته‌های شکواییه نویسی همانند یک طفل تازه متولد شده می‌باشد و انتظار می‌رود از همکاران محترم در تقویت این کتاب در چاپ‌های آتی با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود اینجانب را یاری نمایید.

سینا نجفی

پاییز ۱۴۰۵

فهرست مطالب

فصل اول- کلیّات شکواییه..... ۱۷

شکواییه چیست؟..... **۱۸**

شکواییه کتبی و شفاهی..... ۱۹

شروط مهم قبل از طرح دعوی کیفری..... ۲۰

الف: رفتار دارای وصف کیفری باشد..... ۲۰

مثال‌های کاربردی..... ۲۱

مثال‌های کاربردی پیرامون تفاوت دعاوی کیفری با حقوقی..... ۲۴

۱-تفاوت دعاوی چک کیفری با حقوقی..... ۲۴

۲- تفاوت میان معامله فضولی با جرم انتقال مال غیر..... ۲۴

۳- تفاوت تخریب عمدی با تخریب غیر عمدی..... ۲۶

۴- تفاوت خیانت در امانت با استرداد مال..... ۲۶

۵- تفاوت کلاهبرداری با دارا شدن بلا جهت..... ۲۷

۶- تفاوت تصرف عدوانی کیفری با دعوی رفع تصرف عدوانی حقوقی..... ۲۷

ب: اعتبار امر قضاوت شده..... ۲۷

کاربرد اظهارنامه در امور کیفری..... ۲۹

۱- الزام قانون گذار..... ۳۰

۲- تهیه ادله جرم..... ۳۱

۳- عدم تمایل به طرح دعوی کیفری..... ۳۲

شاکی حرفه‌ای..... ۳۳

فصل دوم- ارکان شکواییه..... ۳۷
مبحث اول: شاکی..... ۳۹
مفهوم شاکی..... ۳۹
بزه دیده مستقیم..... ۴۰
بزه دیده غیر مستقیم..... ۴۱
شرایط شاکی..... ۴۳
۱- اهلیت قانونی شاکی..... ۴۳
بررسی انواع محجور از حیث طرح دعوی کیفری..... ۴۵
۲- سمت شاکی: شاکی باید سمت داشته باشد..... ۴۷
جرم قتل..... ۴۷
جرایم منافی عفت (زنا و روابط نامشروع)..... ۴۸
سمت اشخاص حقوقی..... ۵۲
نکات مربوط به وکیل شاکی..... ۵۳
طرح شکایت در فرض تعدد بزه‌دیدگان..... ۵۴
۱- استقلال حق شکایت..... ۵۴
۲- طرح شکایت مشترک..... ۵۴
۳- آثار تعدد بزه‌دیدگان..... ۵۴
۴- گذشت برخی از بزه‌دیدگان..... ۵۵
مبحث دوم: مشتکی عنه..... ۵۶
انواع نقش بزهکاری..... ۵۶
شکایت علیه مشتکی‌عنه‌های دارای وضعیت ویژه و احکام تعدد..... ۶۰
الف: طرح شکایت علیه محجورین..... ۶۱
۱- تعیین مشتکی‌عنه در جرایم ارتکابی توسط محجور..... ۶۲
۲- اثر حجر بر تعقیب و مسئولیت کیفری..... ۶۲
۳- مسئولیت پرداخت دیه و تأثیر آن بر تعیین مشتکی‌عنه..... ۶۴
۴- تفاوت اقامه دعوا علیه محجور در دادرسی کیفری و حقوقی..... ۶۵

ب: طرح شکایت علیه متوفی ۶۶
۱- تأثیر فوت بر امکان تعقیب کیفری ۶۶
۲- تأثیر فوت بر حقوق بزه‌دیده ۶۷
۳- نحوه اقدام در تنظیم شکواییه ۶۸
۴- تفکیک دادرسی کیفری از دادرسی حقوقی ۶۸
پ: طرح شکایت علیه اتباع خارجی ۶۹
۱- تابعیت و تأثیر آن بر حق شکایت ۶۹
۲- نحوه تعیین مشتکی‌عنه در شکواییه ۷۰
۳- صلاحیت مرجع رسیدگی ۷۰
۴- موارد استثنایی ۷۱
ت: طرح شکایت توسط اتباع خارجی ۷۲
۱- حق اقامه شکایت توسط اتباع خارجی ۷۲
۲- نحوه تنظیم شکواییه ۷۳
۳- طرح شکایت از طریق نماینده ۷۴
۴- نحوه اخذ وکالت از اتباع بیگانه ۷۴
۵- اصل برابری در حمایت کیفری ۷۵
ث: طرح شکایت علیه کارکنان دولت ۷۶
۱- اصل تساوی اشخاص در برابر قانون ۷۶
۲- درج سمت اداری در شکواییه ۷۶
۳- موارد مشمول مقررات خاص (صلاحیت تخصصی) ۷۷
چک‌لیست عملی پیش از تنظیم شکواییه ۷۹
ج: طرح شکایت علیه کارکنان نیروهای مسلح ۷۹
۱- احراز صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ۸۰
۲- دادسرای نظامی؛ مرجع تقدیم شکواییه و انجام تحقیقات مقدماتی ۸۲
۳- دادگاه‌های نظامی و صلاحیت آن‌ها ۸۳
۴- نکات کاربردی در تنظیم شکواییه علیه کارکنان نیروهای مسلح ۸۵

چ: طرح شکایت علیه اشخاص دارای مصونیت ۸۶
۱- اصل امکان طرح شکایت ۸۶
۲- مصادیق مصونیت ۸۷
۳- آثار مصونیت بر تنظیم شکواییه ۸۷
۴- محدود بودن قلمرو مصونیت ۸۷
ح: طرح شکایت در فرض تعدد جرم ۸۸
۱- بیان تمامی وقایع مجرمانه ۸۸
۲- تعدد عنوان اتهامی ۸۸
۳- تأثیر تعدد جرم بر تنظیم شکواییه ۸۹
۴- تکلیف مرجع قضایی ۸۹
خ: طرح شکایت در فرض تعدد متهم ۸۹
۱- معرفی تمامی متهمان ۹۰
۲- تبیین نقش متهمان ۹۰
۳- تأثیر تعدد متهم بر تنظیم شکواییه ۹۰
۴- تکلیف مرجع قضایی ۹۱
د: طرح شکایت علیه قضات ۹۱
۱- اصل امکان طرح شکایت کیفری ۹۱
۲- تفکیک اشتباه قضایی، تخلف انتظامی و جرم ۹۲
۳- شکایت انتظامی از قضات ۹۲
۴- نکات کاربردی برای وکلا ۹۳
۵- نمونه‌های شکایت انتظامی ۹۴
مبحث سوم: وکیل ۱۰۰
حدود اختیارات وکیل ۱۰۰
انواع وکالت ۱۰۲
۱- وکیل تعیینی ۱۰۲
تعداد وکیل در فرآیند دادرسی ۱۰۳

۲- وکیل تسخیری ۱۰۵
۳- وکیل معاضدتی ۱۰۸
۴- وکیل اتفاقی ۱۰۹
صلاحیت کارآموزان وکالت مرکز وکلای قوه قضاییه در دعاوی کیفری ۱۰۹
صلاحیت کارآموزان وکالت کانون وکلای دادگستری در دعاوی کیفری ۱۰۹
مفهوم مجتمعاً و منفرداً در تعدد وکیل و آثار آن ۱۱۰
حق توکیل به غیر در قرارداد وکالت ۱۱۲
مبحث چهارم: موضوع شکایت ۱۱۲
مبحث پنجم: محل وقوع جرم ۱۱۶
مبحث ششم: تاریخ وقوع جرم ۱۲۰
مبحث هفتم: ضررو زیان ناشی از جرم ۱۲۱
انواع ضرر و زیان قابل مطالبه مدعی خصوصی ۱۲۲
نحوه مطالبه ضررو زیان ناشی از جرم ۱۲۳
مبحث هشتم: ادله وقوع جرم(دلایل و منضمات شکواییه) ۱۳۰
مفهوم ادله اثبات دعوا ۱۳۰
دلایل اثبات جرم ۱۳۱
نظام‌های حاکم بر دلایل ۱۳۴
نکات کاربردی ادله اثبات جرم ۱۳۶
۱- اقرار ۱۳۶
۲- شهادت ۱۳۸
۳- سوگند ۱۴۵
۴- قسامه ۱۴۶
۵- علم قاضی ۱۵۱
مستندات و امارات علم قاضی ۱۵۳
الف: گزارش ضابطان دادگستری ۱۵۳
ب: نظریه کارشناس ۱۵۳

پ: معاینه محل و تحقیق محلی ۱۵۴
ت: فیلم و تصاویر دوربین مداربسته ۱۵۵
ث: پیامک، چت‌های پلتفرم‌های دیجیتالی مانند تلگرام یا اینستاگرام، ایمیل و داده‌های الکترونیکی ۱۵۵
ج: پرینت تماس و داده‌های مخابراتی ۱۵۶
چ: نظریه پزشکی قانونی ۱۵۶
ح:کشف آلات و ادوات جرم ۱۵۶
خ: آثار انگشت، DNA و سایر ادله علمی ۱۵۶
د: اظهارات مطلع ۱۵۷
ذ: سند، اعم از رسمی یا عادی، ۱۵۷
ر: استعلام از مراجع رسمی ۱۵۷
مبحث نهم: شرح شکواییه ۱۵۹
۱- مختصر گویی ۱۵۹
۲-آغاز شرح شکایت ۱۶۰
۳- شرح ماوقع ۱۶۲
۴- عدم عنوان متهم یا مجرم یا بزهکار به مشتکی عنه ۱۶۳
۵- عنوان نقش بزهکاری مشتکی عنه ۱۶۳
۶- بیان مختصر دلایل ۱۶۴
۷- تقاضای صدور تامین خواسته ۱۶۶
۸- تقاضای تعقیب کیفری مشتکی عنه ۱۶۹
۹- نمونه‌های شرح شکایت ۱۷۰

فصل سوم- نکات طلایی فنون شکواییه نویسی و دفاع ۱۸۱
۱۰۰ نکته طلایی شکواییه‌نویسی برای وکلا ۱۸۲
الف: پیش از تنظیم شکواییه (۱ تا ۱۰) ۱۸۲
ب: ساختار و قالب شکواییه (۱۱ تا ۲۰) ۱۸۳

پ: شرح وقایع (۲۱ تا ۴۰) ۱۸۴
ت: ادله و مستندات (۴۱ تا ۵۵) ۱۸۶
ث: خواسته و درخواست نهایی (۵۶ تا ۶۵) ۱۸۷
ج: عنوان‌شناسی طرفین (۶۶ تا ۷۵) ۱۸۸
چ: اشتباهات رایج و پرهیزها (۷۶ تا ۹۰) ۱۸۹
ح: نکات تکمیلی و حرفه‌ای (۹۱ تا ۱۰۰) ۱۹۰
۴۰ نکته طلایی برای ایراد به شکواییه از سوی وکیل ۱۹۲
الف: ایرادات شکلی و آیین‌دادرسی ۱۹۲
ب: ایرادات ماهوی (مربوط به محتوای شکایت) ۱۹۴
پ: ایرادات مربوط به ادله و مدارک ۱۹۶
ت: ایرادات مبتنی بر قوانین ماهوی (مواد قانونی) ۱۹۷
تکنیک‌های متقادسازی بازپرس در مرحله مطالعه شکواییه ۱۹۹
۱- شروع با قوی‌ترین جمله ۱۹۹
۲- استفاده از کلیدواژه‌های حقوقی ۱۹۹
۳- ساختار سه‌بخشی اصلی در شرح شکایت ۱۹۹
۴- اجتناب از حاشیه‌پردازی ۱۹۹
۵- ذکر جزئیات عینی ۲۰۰
۶- زبان بی‌طرفانه و غیراحساسی ۲۰۰
۷- اشاره به ادله کلیدی در ابتدا ۲۰۰
۸- پرهیز از تکرار ۲۰۰
۹- درخواست صریح و مستند ۲۰۱
۱۰- جمله پایانی هوشمندانه ۲۰۱
پیش‌بینی دفاعیات متهم در متن شکواییه ۲۰۱
۱- جایگزینی با وکیل متهم ۲۰۱
۲- شناخت دفاعیات رایج ۲۰۲
۳- پیش‌بینی دفاع مشروع ۲۰۲

۴- پیش‌بینی ایراد به انگیزه طرح شکایت..... ۲۰۲
۵- خنثی‌سازی دفاعیات با ادله متقابل..... ۲۰۲
۶- پیش‌بینی انکار هویت..... ۲۰۳
۷- پیش‌بینی دفاع مبتنی بر فقدان سوءنیت..... ۲۰۳
۸- پیشگیری از ایراد فقدان دلیل..... ۲۰۳
۹- تبیین قرائن مؤثر در رد دفاعیات احتمالی..... ۲۰۳
۱۰- استفاده از سوابق و رفتارهای مرتبط با موضوع شکایت..... ۲۰۴

منابع..... ۲۰۵

فصل اول

کلیّـــــــات شکواییـــــه

شکواییه چیست؟

شکواییه یعنی طرح دعوی کیفری توسط شاکی علیه شخصی که مرتکب جرم نسبت به وی شده است. دعوی کیفری زمانی آغاز خواهد شد که شاکی طرح شکایت کند یا مرجع انتظامی به دادسرا گزارش جرم دهد و یا از سوی مقام صلاحیت دار اعلام جرم گردد.[1] بدین ترتیب زمانی نوبت به تنظیم شکواییه می‌رسد که صرفا شاکی بخواهد تعقیب مرتکب را از طریق شکایت کیفری مطرح نماید. دادستان یا مقام قضایی یا مقامات رسمی اعلام جرم می‌نمایند و نه طرح شکایت از طریق تنظیم شکواییه، لذا تنظیم شکواییه اساسا توسط شاکی یا وکیل او صورت می‌پذیرد.

لازم به ذکر است که در تنظیم شکواییه از سوی شاکی تفاوتی میان جرم قابل گذشت و جرم غیر قابل گذشت نخواهد بود و در کلیه جرایم طرح دعوی کیفری و درخواست تعقیب مشتکی عنه (مرتکب جرم) و یا مظنون از سوی شاکی امکان پذیر است.

تنظیم شکواییه مقدمه فن دفاع وکیل شاکی است؛ این جمله‌ی کلیدی یعنی هر آنچه وکیل در ادامه‌ی پرونده به عنوان دفاعیات یا دلایل اثباتی ارائه می‌دهد، ریشه‌اش در همان سطرهای اولیه‌ی شکواییه شکل می‌گیرد. وکیل با نگارش شکواییه، در واقع نقش یک کارگردان را دارد؛ او سناریوی دادرسی را می‌نویسد، نقطه‌ی کانونی اتهام را مشخص می‌کند، قرائن را به نفع موکل می‌چیند و حتی مسیر تحقیقات دادسرا را به سمتی هدایت می‌کند که با راهبرد دفاعی او همسو باشد. به عبارت دیگر، شکواییه‌ی خوب، زمین بازی را برای وکیل آماده می‌کند و از

۱- عرب میستانی، مهدی، وکالت در دادسرا و محاکم کیفری، ص ۲۳

همان لحظه‌ی اول، برتری راهبردی را برای او و موکلش به ارمغان مـی‌آورد و ایـن دقیقاً همان فن دفاع است که از دل یک مقدمه‌ی دقیق و حرفه‌ای بیرون می‌آید.

شکواییه کتبی و شفاهی

ضابطین دادگستری و دادسـتان بـه ترتیـب مطـابق مـواد ۳۷ و ۶۹ قـانون آیـین دادرسی کیفری مکلف به پذیرش و قبول شکایت کتبی و شفاهی هستند. لذا موارد ماده ۳۷ و ۶۹ قانون مذکور بایستی از سوی آنان رعایت گردد و قوه قضاییه مطابق تبصره ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف اسـت فـرم‌هـای مخصـوص را جهت تنظیم شکواییه در اختیار مراجعان قرار دهد. مطابق نظریه مشورتی شـماره ۰۸۶۱/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۵ نیز بر وظیفه ضابطان در قبول شـکایت شـفاهی تأکید کرده و آن را در کنار شکایت کتبی، یک تکلیف قـانونی مـی‌دانـد. ضـابطین دادگستری در صورتی که از قبول شکایت شفاهی استنکاف ورزند، مطابق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی محکـوم می‌گردند. با توجه به رویه معمول پشنهاد می‌گردد شکواییه کتبی باشد و از طریق دفاتر خدمات قضایی و یا توسط وکلای دادگستری از طریق سامانه خـود کـاربری وکلا ارسال گردد.

اشخاصی که دانش آموخته رشته حقوق هستند نیـز مـی‌تواننـد شـکواییه خـود را بدون نیاز به مراجعه به دفاتر خدمات قضایی از طریق سامانه عدل ایران (ثنا) بخش خودکاربری دارندگان دانش حقوقی ارسال نمایند. البته ناگفته نماند که این دسـته از اشخاص بایستی خود شاکی باشند و وکالت نیازمند اخذ پروانه وکالـت از کـانون وکلای دادگستری و یا مرکز وکلای قوه قضاییه است.

نگارش ارکان شکواییه (مواردی که بایستی در شکواییه درج گردد که در ماده ۶۸ ق.آدک آمده است) امری تخصصی است و احتیاج به دانش حقوقی دارد و بهتر است توسط افراد متخصص و با دانش حقوقی و یا وکلای دادگستری تنظیم گردد.

شروط مهم قبل از طرح دعوی کیفری

قبل از تنظیم شکواییه لازم است که افراد و یا وکلای دادگستری شرایط ذیل را بررسی و رعایت کنند:

الف: رفتار دارای وصف کیفری باشد:

اغلب از افراد عادی انتظار نمی‌رود که تشخیص دهند که رفتار ارتکابی آیا جرم می‌باشد یا خیر؟ اما افراد بایستی قبل از طرح دعوی کیفری با یک وکیل دادگستری مشورت کنند و بعد از آن دعوی کیفری خود را علیه مشتکی عنه و یا مظنون به ارتکاب جرم، مطرح نمایند. تشخیص وصف کیفری رفتار ارتکابی چالشی است که وکلای دادگستری بعضا با آن مواجه هستند و این امر نیازمند تخصص در موضوعات کیفری است. به همین جهت وکلای دادگستری می‌توانند پروانه وکالت تخصصی اخذ کنند و یک وکیل متخصص باشند. مانند پروانه وکالت تخصصی حقوق اطفال و نوجوانان که دعاوی کیفری اطفال و نوجوانان کاملا تخصصی است؛ چرا که در خصوص اطفال و نوجوانان دادرسی کیفری افتراقی است. شاید به ذهن مخاطبان این موضوع متبادر گردد که بررسی جرم بودن یا نبودن رفتار ارتکابی با مقام قضایی است و نه افراد، اما این نکته ضروری است که یک وکیل دادگستری باید توان تشخیص اینکه رفتار ارتکابی جرم است یا یک دعوی حقوقی را داشته باشند. در غیر این صورت هزینه‌هایی را نسبت به موکل خود تحمیل نموده و وجه خوبی نزد موکل خود نخواهد داشت و موکل خود را نیز از دست خواهد داد.

مثال‌های کاربردی:

۱- فردی با همکار خود با عصبانیت و تندی صحبت می‌کند. آیا این رفتار جرم توهین است؟ اصولاً خیر، تند صحبت کردن و یا با صدای بلند صحبت کردن جرم نمی‌باشد مگر اینکه فرد به واسطه این رفتار موجب خوار و خفیف شدن بدهکار شود و از الفاظ موهن استفاده کند که البته سایر شرایط هم وجود داشته باشد که ما آن را یک جرم توهین تلقی کنیم.

۲- افترا زدن به دیگری یعنی نسبت دادن جرم به دیگری یا در عرف تهمت زدن جرم می‌باشد. حال اگر شخصی به دیگری بگوید آدم کش و یا بگوید فلانی سر من کلاه گذاشت و یا بگوید فلانی پول من را خورد یا بگوید قاچاق چی، آیا مرتکب جرم افترا شده است؟ باز هم پاسخ خیر است، زیرا شرایط جرم افترا (قولی) یعنی صراحت در انتساب جرم محقق نشده است.

۳- فردی به دفتر وکالت شما مراجعه کرده است و می‌گوید فکر می‌کنم فلانی کلاهبردار است. شما علیه آن فرد طرح دعوی کیفری کن! با شک و گمان نمی‌توان از فردی شکایت کرد. شاید آن فرد پول قرض داده به موکل و قرض را پس نداده است که یک دعوی حقوقی است نه کیفری.

۴- فلانی قرار است از من سرقت کند، پس برم علیه او شکایت کیفری کنم؟! هنوز جرم محقق نشده است، مگر تهدید به قتل.

۵- موکل مبلغ ۵ میلیارد تومان بابت خرید یک دستگاه خودرو به مشتکی‌عنه پرداخت نموده، اما مشتکی‌عنه از به علت فسخ معامله از تحویل خودرو خودداری کرده و وجه را نیز مسترد نمی‌نماید. صرف خودداری از استرداد وجه در قبال معامله‌ای که فسخ شده است، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ مگر آنکه ثابت شود مشتکی‌عنه از ابتدا قصد انجام معامله را نداشته و با توسل به وسایل متقلبانه وجه

را اخذ کرده است. در غیر این صورت، موضوع صرفاً یک دعوای حقوقی مطالبه وجه است که در صلاحیت دادگاه حقوقی می‌باشد.

۶- در خصوص نفقه معوقه، برابر ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده، جرم ترک انفاق صرفاً ناظر بر نفقه حال (زمانی که زوج با استطاعت مالی از پرداخت نفقه جاری خودداری کند) است؛ حال آنکه نفقه ایام گذشته در حکم یک دین (طلب مالی) بر ذمه زوج محسوب شده و فاقد وصف کیفری می‌باشد، به‌گونه‌ای که نظریه مشورتی شماره ۹۷۹/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه به صراحت اعلام داشته که نفقه گذشته شامل شکایت کیفری نمی‌شود و فقط از طریق حقوقی قابل مطالبه است.

۷- در خصوص چک صیادی ثبت‌نشده در سامانه صیاد، صرف عدم ثبت چک در سامانه مذکور جرم محسوب نشده و فاقد ضمانت اجرای کیفری است؛ چراکه کلاهبرداری نیازمند «فعل مثبت» است و عدم ثبت چک (ترک فعل) نمی‌تواند رکن مادی این جرم را تشکیل دهد، از این رو چک ثبت‌نشده صرفاً به عنوان یک سند عادی (مدنی) تلقی شده و دارنده برای مطالبه وجه آن باید از طریق طرح دادخواست حقوقی در دادگاه حقوقی اقدام نماید و رابطه حقوقی (قرض، معامله و...) خود با صادرکننده را اثبات کند.

۸- آقای «الف» قطعه زمینی را با تعهد احداث آپارتمان و انتقال یکی از واحدهای آن به آقای «ب» پیش‌فروش کرد و متعهد شد پس از تکمیل پروژه، واحد را تحویل داده و سند رسمی آن را به نام خریدار تنظیم کند. با وجود فرارسیدن موعد مقرر، پروژه هنوز تکمیل نشده و بخش‌هایی از عملیات ساختمانی، از جمله سفت‌کاری و سایر مراحل اجرایی، باقی مانده است و فروشنده نیز از تحویل واحد و حضور در دفترخانه برای تنظیم سند رسمی امتناع می‌کند. در این وضعیت،

هرچند رفتار فروشنده می‌تواند نقض تعهدات قراردادی بوده و موجب الزام وی به انجام تعهد، جبران خسارت یا پرداخت وجه التزام شود، اما صرف تأخیر در تکمیل پروژه و امتناع از تحویل واحد و تنظیم سند رسمی، تا زمانی که رفتار متقلبانه و سایر ارکان قانونی جرم احراز نشود، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود.

۹- الف خودرویی را به شخص ب بصورت سند عادی میفروشد، بعد از اختلاف فی مابین و عدم پرداخت ثمن معامله یا صدور چک بلا محل، شخص الف به تصور اینکه مال متعلق به خود را میفروشد و معامله قبلی فسخ شده است، آنرا با سند عادی به ج انتقال می‌دهد. در این فرض جرم انتقال مال غیر از لحاظ عنصر روانی جرم مخدوش بوده و صرفاً یک دعوای حقوقی است.

- در مثال‌های فوق رفتارهای ارتکابی وصف کیفری ندارد و قابل طرح دعوی کیفری نمی‌باشد.

نکته: برخی موضوعات شکایت هم جنبه حقوقی و هم جنبه کیفری دارند. مانند دعاوی راجع به چک، تخریب اموال، نفقه زوجه. لذا قبل از طرح دعوی توسط وکیل بایستی خواسته موکل معین و مشخص باشد.

نکته: برخی از پرونده‌ها مرز باریکی میان دعوی کیفری و حقوقی است و موضوع پرونده در صلاحیت دادگاه حقوقی خواهد بود و نه کیفری. لذا بایستی در انتخاب دعوی کیفری یا حقوقی پرونده همکاران محترم دقت فراوانی داشته باشند.

✍ مثال‌های کاربردی پیرامون تفاوت دعاوی کیفری با حقوقی:

۱- تفاوت دعاوی چک کیفری با حقوقی

الف- چک‌های تضمینی یا مشروط یا سفید امضا یا وعده دار یا بدون تاریخ دارای وصف کیفری نمی‌باشد و بایستی از طریق دادگاه حقوقی اقدام نمود. (ماده ۱۳ قانون صدور چک)

ب- وفق ماده ۱۱ قانون صدور چک تنها دارنده چک (یعنی کسی که آن را اولین بار چک را به بانک ارائه داده و گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است)، حق شکایت کیفری دارد. بنابراین چنانچه پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به شخص دیگری منتقل شود وی حق شکایت کیفری نخواهد داشت، که هدف قانون گذار از وضع این مقرره جلوگیری از شرخری و سوء استفاده از قانون جهت وصول چک بوده است.[۱]

۲- تفاوت میان معامله فضولی با جرم انتقال مال غیر

معامله فضولی زمانی است که شخص بدون داشتن سمت یا اجازه مالک، مال او را معامله می‌کند، اما قصد دارد معامله در صورت تنفیذ مالک نافذ شود؛ بنابراین، اصل موضوع جنبه حقوقی دارد. در مقابل، در جرم انتقال مال غیر، انتقال‌دهنده با علم به اینکه مالک نیست و بدون مجوز قانونی، مال دیگری را با سوءنیت و به ضرر مالک یا خریدار منتقل می‌کند که این رفتار علاوه بر آثار حقوقی، مسئولیت کیفری و مجازات جرم کلاهبرداری را نیز به دنبال دارد.

۱- عابدی، احمدرضا، نگرشی کاربردی به چک، ص ۱۰۱

لازم به توضیح است که با تصویب قانون الزام به ثبت رسمی اموال غیر منقول در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۶ از سوی مجلس شورای اسلامی که سر انجام در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ به تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده، قانون گذار مقرر نموده است که هر عمل حقوقی نسبت به اموال غیر منقول باید به شکل رسمی انجام گیرد و پس از سپری شدن مواعد مقرر در این قانون[1]، دیگر هیچ شکایت کیفری از جمله انتقال مال غیر به استناد سند عادی در خصوص اموال غیرمنقول مسموع نخواهد بود. با فرض سپری شدن مواعد مذکور در این قانون ، اگر کسی به

۱- ماده ۱ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول :یکسال پس از راه اندازی رسمی سامانه ساماندهی اسناد غیر رسمی موضوع ماده (۱۰) این قانون هر عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع که موضوع یا نتیجه آن انتقال مالکیت عین یا انتقال حق انتفاع (اعم از عمری یا رقبی برای مدت بیش از (دوسال یا انتقال حق ارتفاق اموال غیرمنقول باشد و وقف و نیز انعقاد عقد رهن در خصوص آنها و انعقاد عقود مفید انتقال منافع اموال مذکور برای مدت بیش از دو سال و اجاره به شرط تملیک و هر نوع پیش فروش ساختمان اعم از اینکه به صورت سهمی از کل عرصه یا اعیان باشد و تعهد به انجام کلیه اعمال حقوقی مذکور باید در سامانه ثبت الکترونیک اسناد به ثبت برسد در غیر این صورت دعاوی راجع به اعمال حقوقی مذکور که ثبت نشده باشد و ادله راجع به آنها در بخشی که مفید موارد مذکور است، نزد مراجع قضائی شبه قضائی و داوری قابل استماع نبوده و فاقد اعتبار است و جز دعوای استرداد عوضین، هیچ شکایت کیفری یا دعوای حقوقی یا تقاضایی در خصوص آن عمل حقوقی و اسناد مربوط به آن از قبیل شکایت انتقال مال غیر دعوای اثبات یا تنفیذ معامله ابطال سند رسمی مالکیت، الزام به تنظیم سند رسمی خلع ید، تخلیه ید و الزام به اجرای تعهدات مندرج در آن در مراجع مذکور مسموع نیست همچنین اسناد ثبت نشده راجع به اعمال حقوقی مذکور در هیچ‌یک از دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ پذیرفته نمی‌شود و در مراجع قضائی و اداری مذکور فقط شخصی مالک، ملک شناخته می‌شود که در دفتر املاک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که از این پس در این قانون «سازمان» نامیده می‌شود ملک به نام او به ثبت رسیده یا از مالک رسمی به ارث برده باشد.

وسیله سند عادی مال غیر منقول دیگری را انتقال دهد، انتقال صورت گرفته فاقد اعتبار قانونی بوده و به همین جهت مرتکب آن مسئولیت کیفری نخواهد داشت.[1]

۳- تفاوت تخریب عمدی با تخریب غیر عمدی

تخریب عمدی زمانی محقق می‌شود که شخص با قصد و اراده، مال متعلق به دیگری را از بین ببرد یا به آن آسیب وارد کند و در صورت تحقق سایر شرایط قانونی، رفتار او جرم محسوب می‌شود. در مقابل، اگر ورود خسارت به مال دیگری ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا غفلت باشد و قصد تخریب وجود نداشته باشد، اصولاً موضوع از شمول جرم تخریب خارج بوده و بیشتر موجب مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت است، مگر آنکه قانون خاص، آن رفتار را جرم‌انگاری کرده باشد.

٤- تفاوت خیانت در امانت با استرداد مال

خیانت در امانت زمانی محقق می‌شود که امین، مال سپرده شده را برخلاف توافق یا قانون به ضرر مالک تصاحب، تلف، مفقود یا استعمال کند و در صورت احراز سایر شرایط قانونی، رفتار او جرم باشد. در مقابل، دعوای استرداد مال، دعوایی حقوقی است که مالک یا صاحب حق با هدف بازپس‌گیری مال خود از متصرف اقامه می‌کند. بنابراین، تفاوت کاربردی این دو در آن است که خیانت در امانت یک عنوان کیفری است، در حالی که استرداد مال یک دعوای حقوقی برای بازگرداندن مال محسوب می‌شود.

۱- الیاسی، اقبال، مقایسه تحلیلی فروش مال غیر و معامله فضولی، ص ۱۳۹

۵- تفاوت کلاهبرداری با دارا شدن بلا جهت

کلاهبرداری زمانی محقق می‌شود که شخص با توسل به وسایل متقلبانه، دیگری را فریب داده و از این طریق مال او را ببرد؛ ازاین‌رو، رفتاری مجرمانه با وصف کیفری است. در مقابل، دارا شدن بلاجهت زمانی مطرح می‌شود که شخص بدون مجوز قانونی یا قراردادی از مال یا منفعت دیگری بهره‌مند شده باشد، بدون آنکه لزوماً مرتکب فریب یا رفتار مجرمانه شده باشد و نتیجه آن الزام به استرداد مال یا جبران منفعت است. بنابراین، تفاوت کاربردی این دو در آن است که کلاهبرداری بر فریب و تقلب استوار است، در حالی که دارا شدن بلاجهت بر فقدان سبب قانونی برای دارا شدن مبتنی است.

٦- تفاوت تصرف عدوانی کیفری با دعوی رفع تصرف عدوانی حقوقی

تصرف عدوانی کیفری زمانی محقق می‌شود که شخص با سوءنیت و به‌طور غیرقانونی، ملک متعلق به دیگری را تصرف کند و در صورت احراز شرایط قانونی، رفتار او جرم باشد. در مقابل، دعوای رفع تصرف عدوانی یک دعوی حقوقی است که متصرف سابق، صرف‌نظر از مالکیت، برای بازپس‌گیری تصرف خود از متصرف فعلی اقامه می‌کند. بنابراین، تفاوت کاربردی این دو در آن است که تصرف عدوانی کیفری مستلزم احراز ارکان جرم و سوءنیت است، در حالی که دعوی حقوقی رفع تصرف عدوانی صرفاً با هدف اعاده وضعیت تصرف سابق مطرح می‌شود.

ب: اعتبار امر قضاوت شده

سابقا بابت همان رفتار ارتکابی، طرح دعوی و رای صادر شده باشد و یا در جریان رسیدگی باشد، حتی اگر عنوان مجرمانه را هم تغییر دهیم، نمی‌توان مجددا طرح دعوی کیفری در خصوص همان رفتار ارتکابی مطرح نمود. مانند اینکه کلاهبرداری

شکایت کنیم و حکم به برائت صادر شود و مجـددا بعـد از آن بابـت همـان رفتـار مجددا طرح شکایت مبنی بر تحصیل مال از طریق نامشروع مطرح نماییم. لازم به توضیح است که برخی قائل به این موضوع هستند که در امور کیفری بر خلاف امور حقوقی وحدت اصحاب دعوی شرط نیست، یعنی اگر علیه فردی بـه اشـتباه بابـت یک رفتار مجرمانه طرح دعوی کنیم، دیگر بابت همان فعل نمی توانیم علیـه فـرد دیگر شکایت کنیم.

نکته مهم: پیشنهاد می‌گردد که همکاران محتـرم وکیـل فـرم‌هـای پـذیرش وکالت تهیه نموده و هم چنین شکواییه نیز توسط موکـل امضـاء گـردد کـه وکلای دادگستری در صورت صدور قرار منع تعقیـب بـه جـرم افتـرا تحـت تعقیب کیفری قرار نگیرند. البته ناگفته نماند که عنصر روانی در تحقـق جـرم افترا به واسطه شکایت کیفری توسط وکیل بایستی اثبات گردد.

نکته: در طرح دعوی کیفری باید دقت شود که موکـل در پرونـده مطروحـه خود مرتکب جرم نشده باشد مانند اینکه موکل رشوه داده باشد یا موکـل ربـا دهنده باشد یا مرتکب جرم زنا یا روابط نامشروع شده باشد، مگر اینکه موانع مسئولیت کیفری وجود داشته باشد یا رشوه دهنده[1] و یا ربـا دهنـده[2] مضـطر بوده باشد که از مجازات معاف خواهد شد.

۱- تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)- در صورتی که رشوه دهنـده بـرای پرداخـت رشوه مضطر بوده یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نمایـد از مجـازات حـبس مزبـور معـاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.

۲- تبصره ۲ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات – هرگاه ثابت شود ربادهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

سوال کاربردی: بندهای ب، پ، ت و ث ماده ۶۴ ق.آدک مربوط به جرایم غیر قابل گذشت است، آیا شکایت شاکی یا مدعی خصوصی در بند الف به معنای این است که شاکی فقط در جرایم قابل گذشت می‌تواند طرح شکایت کند؟

خیر، شاکی می‌تواند هم در جرم قابل گذشت و هم جرم غیر قابل گذشت طرح دعوی کیفری را مطرح نماید و تعقیب مشتکی عنه را از دادستان درخواست نماید. بندهای مطرح شده به معنای این است که در جرایم غیر قابل گذشت ولو اینکه بزه دیده تعقیب مشتکی عنه را درخواست نکند، در صورت تحقق بندهای ماده ۶۴ ق.آدک دادستان تعقیب وی را آغاز خواهد کرد.

کاربرد اظهارنامه در امور کیفری

ارسال اظهارنامه برای مخاطب اصولاً لازم نیست، چه در دعاوی حقوقی و چه در دعاوی کیفری مگر اینکه قانون گذار تصریح به الزام ارسال اظهارنامه کرده باشد. ارسال اظهارنامه زمانی معنا پیدا می‌کند که اشخاص خواسته‌ایی را به صورت رسمی بخواهند مطابه کنند که بیشتر در دعاوی حقوقی کاربرد دارد مانند اینکه در مطالبه طلب بخواهند خسارت تاخیر تادیه از زمان ارسال اظهارنامه محاسبه شود و نه از تاریخ تقدیم دادخواست و یا تقاضای تمکین زوجه از طرف زوج و...

اظهارنامه در امور کیفری به‌خودی‌خود جرمی را اثبات نمی‌کند؛ هرچند می‌تواند به‌عنوان هشدار، اتمام حجت یا مقدمه طرح شکایت کاربرد داشته باشد. بنابراین اگر فردی در اظهارنامه بنویسد «اگر پاسخ اظهارنامه را ندهید، به منزله اقرار به ارتکاب جرم است»، این شرط از نظر قانونی معتبر نیست؛ زیرا اقرار در امور کیفری باید نزد قاضی و در محکمه انجام گیرد و صرف اقرار خارج از دادگاه، به‌تنهایی

اعتبار شرعی و قانونی ندارد. البته در امور حقوقی، اقرار خارج از دادگاه نیز می‌تواند معتبر باشد، مشروط بر اینکه وقوع آن برای دادگاه با دلیل معتبر اثبات شود.

برای مثال، فرض کنید در اظهارنامه ادعا شده باشد خودروی او توسط شما ربوده شده و باید ظرف ۷۲ ساعت تحویل داده شود و در صورت عدم پاسخ، سکوت شما اقرار به سرقت خودرو تلقی خواهد شد. یا ادعا شده باشد شما طی تماس‌های مختلف و در میان اقوام و دوستان مرتکب جرایمی مانند توهین، افترا و نشر اکاذیب شده‌اید و اگر به اظهارنامه پاسخ ندهید، به منزله اقرار به جرایم مذکور است. در هیچ‌یک از این دو فرض، عدم پاسخ به اظهارنامه اقرار تلقی نمی‌شود؛ زیرا سکوت به‌تنهایی اقرار محسوب نمی‌گردد و متهم حق سکوت دارد. علاوه بر این، درج اتهامات واهی در اظهارنامه می‌تواند خود موجب مسئولیت کیفری اظهارکننده، از جمله به دلیل افترا یا نشر اکاذیب، شود.

اظهارنامه از مقدمات طرح دعوی می‌باشد و مرحله قبل از طرح دعوی محسوب می‌شود که در دعاوی کیفری در ۳ مورد از سوی نگارنده پیشنهاد می‌گردد:

۱- الزام قانون گذار

در برخی موارد استثنایی، قانون‌گذار خود تکلیف به ارسال اظهارنامه را بر عهده شخص گذاشته و عدم انجام آن را مشمول ضمانت اجرای کیفری دانسته است. یکی از مصادیق این تکلیف استثنایی، جرم انتقال مال غیر است. در جرم انتقال مال غیر، اگر مالک از وقوع جرم مطلع شده و یک ماه پس از حصول اطلاع، اظهار نامه‌ای مبنی بر مالکیت وی بر مال، برای انتقال گیرنده ارسال ننماید، معاون جرم محسوب می‌شود.[۱]

۱- ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸